پژوهشنامه عرفان
دوفصلنامه علمی، سال یازدهم،
شماره بیست‌ودوم،
بهار و تابستان ۱۳۹۹،
صفحات ۶۰- ۴۷

تحلیل محتوایی شطح

(برپایهٔ شطحیات قرن دوم تا هفتم هـ ق)

سمانه جعفری* / سید علی‌اصغر میرباقری فرد**

چکیده: آنچه با عنوان شطح از عرفا نقل شده حوزهٔ وسیعی از مفاهیم و مضامین را دربر می‌گیرد که به سبب شهرت برخی از شطحیات و نیز تکرار بیشتر بعضی مفاهیم و مضامین، بسیاری دیگر از آن‌ها چه در تعریف شطح و چه در برداشت ما از شطح مغفول مانده است. بعید نیست این امر در گذر زمان حتی بر اطلاق یا عدم اطلاق شطح بر برخی سخنان عرفا نیز تأثیر گذاشته و مانع ثبت برخی از شطحیات در این دایره شده باشد. برای اصلاح این نگاه نادرست به مقولهٔ وسیع شطح، با گزینش شطحیات عرفا از منابع مختلف و استخراج و طبقه‌بندی مفاهیم و مضامین مطرح شده در آن‌ها به سی‌ویک عنوان دست یافتیم. در این مقاله نمونه‌هایی از کاربرد مضامین پرتکرار در شطحیات نقل شده است. همچنین در ذیل مضامین پرتکرار به بررسی سیر تاریخی کاربرد آن‌ها و نیز علاقه و توجّه برخی عرفا به مضمونی خاص، اشاره شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، فنای فی‌الله، بیان عظمت عارف و تعریف اصطلاحات عرفانی، به‌ترتیب پرتکرارترین مضامین شطح و تعظیم شیطان و دفاع از او، بیان معراج عرفانی، مرگ پیش از مرگ و غیرت عارف نسبت به خدا کم تکرارترین مفاهیم و مضامین مطرح شده در شطح‌هاست.

کلیدواژه‌ها: شطح، تحلیل محتوا، مضامین شطح، مفاهیم شطح

---

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
e-mail: Samanehjafari101@yahoo.com
** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
e-mail: A.mirbagherifard@gmail.com
مقاله علمی – پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۴/۶

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

مقدمه:

بررسی شطحیات مندرج در منتخبات شطح چون *اللمع* سراج، *شرح شطحیات* روزبهان بقلی یا *حسنات العارفین* داراشکوه نشان می‌دهد که آن‌ها سخنان بسیاری با مضامین متنوّع را شطح برشمرده‌اند. سخنانی که دایرهٔ وسیعی از مضامین و مفاهیم متنوع را دربر می‌گیرد. متأسفانه بررسی تعاریف ارائه شده از شطح نیز نشان می‌دهد که بسیاری از معرّفان به این تنوع محتوایی توجه چندانی نداشتند و این امر در مانع بودن بسیاری از تعاریف قدما از شطح بی‌تأثیر نبوده است.

اما اگر براساس مصادیق، شطح را ابراز و اظهار اسراری بدانیم که ظرف محدود الفاظ و افعال انسانی گنجایش آن را ندارد و ازاین‌رو ماهیتی متناقض و متشابه می‌یابد، دایرهٔ شطح وسعت قابل توجّهی خواهد یافت. بنابراین تعریف، ضمن تأکید بر ماهیت متناقض و ملتبس شطح و بیان علّت آن، درمقابل نظریهٔ غلبهٔ سکر، بر دریافت اسرار تأکید می‌گردد و وسعت معنایی شطح (در قرآن و حدیث و سخنان عرفا) حفظ می‌گردد. همچنین تعریف ارائه شده افزون‌بر شطح کلامی، شطح فعل را نیز دربر می‌گیرد و ازاین‌رو جامع مصادیق شطح در ادوار مختلف خواهد بود. مصادیقی که دارای مفاهیم و مضامین متعدّدی هستند (رک جعفری و میرباقری فرد، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

در این مقاله کوشیده‌ایم از این منظر مفاهیم و مضامین رایج در شطحیات را برشماریم و به بررسی مفاهیم رایج در سخنان هریک از عرفای شطح‌پرداز و نیز توجه به این مفاهیم در شطحیات ادوار مختلف تاریخی بپردازیم.

احصای شطحیات عرفا نشان داد که تنوع مفاهیم و مضامین مطرح شده در شطحیات بسیار بیشتر از چند مفهوم کلّیی است که در تعاریف عرفا از شطح بدان توجه شده و این کار موجب شده تعاریف بسته‌ای از شطح به‌دست داده شود.

افزون‌بر طبقه‌بندی شطحیات براین‌اساس و ذکر مفاهیم مطرح شده، مسئلهٔ دیگری که در این پژوهش بررسی شده ذکر بسامد طرح این مفاهیم در شطحیات گردآمده است که می‌تواند ضمن تبیین اهمیت مضامین مختلف در نزد شطح‌پردازان، سیر تحول اقبال به این مفاهیم در گذر زمان را نیز روشن سازد و مقدمه‌ای شود برای تحقیقات بعدی تا ارتباط مضامین رایج در شطحیات هر دوره با عرفان آن عصر بررسی و تبیین گردد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

در زمینهٔ درون‌مایهٔ کلی شطح، در مقدمهٔ آثار بزرگان شطح‌پردازی چون خرقانی و بایزید به اجمال سخن رفته است. هانری کربن نیز در مقدمهٔ مبسوط خود بر *شرح شطحیات* به این موضوع اشاراتی دارد. همچنین مقالات منفردی در بارهٔ شطح در آثار عرفای بزرگی چون بایزید، حلّاج و خرقانی نشر یافته است که ضمن تبیین رویکرد عرفانی و نگاه آن‌ها به مقولهٔ شطح به ذکر مفاهیم مندرج در شطحیات هریک از آنان به‌طور خاص پرداخته که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

امامی، علی‌اشرف (۱۳۷۹) نگاهی به شطحیات شیخ ابوالحسن خرقانی؛ مدرسی، فاطمه و مونا همتی و مریم عرب (۱۳۹۰) شطحیات عین‌القضات همدانی؛ حسینی، مریم، زیبایی‌شناسی زبان عرفانی در شطحیات بایزید بسطامی،

هدف اصلی این پژوهش ذکر مفاهیم و مضامین مطرح شده در شطحیات عرفاست با این فرض که:

- مفاهیم و مضامین متعددی در شطحیات وجود دارد که تاکنون بدان توجه نشده است.
- تحلیل آماری درون‌مایهٔ شطحیات می‌تواند اهمیت مفاهیم عرفانی در نگاه یک عارف یا حتّی یک دورهٔ تاریخی را مشخص سازد.

این پژوهش تحقیقی کتابخانه‌ای است که به روش ترکیبی به تحلیل کمّی و کیفی مفاهیم و مضامین حاصل از متن‌پژوهی شطحیات قرن دوم تا هفتم هجری قمری پرداخته است.

پرتکرارترین مضامین شطح

در کتب عرفانی تعاریف مختلفی از شطح ارائه شده که غلبهٔ سکر و وجد، ظاهر غریب و مخالف شرع، ادّعا و رعونت شطّاح و نیز سرریز شطح بر زبان عارف از مهم‌ترین ویژگی‌های مطرح شده در آن‌هاست (جعفری و میرباقری فرد، ۱۳۹۵ :۱۵۹-۱۵۵) که نقدهای بسیاری بر هریک وارد است و تعاریف صورت گرفته براین‌اساس نمی‌تواند جامع مصادیق شطح باشد. بنابراین بهتر است شطح را چنین تعریف کنیم: «شطح ابراز و اظهار اسراری است که ظرف محدود الفاظ و افعال انسانی گنجایش آن را ندارد و ازاین‌رو در بیان و فعل، ماهیتی متناقض و متشابه می‌یابد» (جعفری و میرباقری فرد، ۱۳۹۵ :۱۷۱).

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

با این تعریف، جمع‌بندی نهایی مفاهیم مطرح‌شده در شطح‌های گردآمده ما را به سی‌ویک مفهوم کلیدی می‌ساند که مهم‌ترین و پرتکرار ترین آن‌ها به‌ترتیب، عبارت‌اند از:

۱. نقد دیدگاه‌های رایج در عرف

این مضمون از شایع‌ترین مضامین رایج در شطحیات است. منظور ما از نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، آن دسته از سخنان شطح‌آمیزی است که در تضاد مستقیم با اصول شرع نیست اما ظاهر آن با آنچه به عنوان عرف در جامعهٔ متشرّع رواج دارد در تناقض است. مضمونی که در کنار مضامینی دیگر چون کم قدری عبادات و مناسک ظاهری، نگاه نامتعارف به احکام و ... در برخی تعاریف شطح و نیز اظهار نظرها در باب آن، تحت عنوان ظاهر خلاف شرع مطرح شده است.

این مضمون در تمامی قرون در کانون توجه شطح‌پردازان قرار داشته و تنها در قرن پنجم به سبب غلبهٔ کمّی شطحیات خرقانی و توجه وی به مضامین دیگر، بسامد بالایی ندارد. واسطی، حلّاج و شبلی در مقایسه با عرفای دیگر توجه بیشتری به این مضمون دارند.

برای مثال شبلی در پاسخ کسی که از او دربارهٔ اعتقاد به رحمانیت خداوند می‌پرسد، می‌گوید که از آن‌گاه که رحمت وی را شناخته، هرگز از او رحمت نطلبیده است (رک: قشیری، ۱۳۷۴: ۳۴۳). این پاسخ خلاف شرع نیست اما بیان آن از زبان یک متشرع در نگاه اول نامتعارف به‌نظر می‌رسد؛ اگرچه با غور در این پاسخ، یقین شبلی به رحمانیت بی‌شرط خداوند که حتی به خواست بنده نیز وابسته نیست آشکار می‌شود. نمونهٔ دیگر از این دست، کلام ابن‌عربی است؛ «مطیع به حقّ گمان بد دارد و گناهکار گمان نیک» (داراشکوه، ۱۳۵۲: ۳۸). و نیز کلام خرّاز آنجا که می‌فرماید: «خیرت بین القرب و البعد فآثرت البعد علی القرب» (قشیری، ۱۴۲۲ق: ۳۴۶).

این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از شطحیات عرفا از این ویژگی برخوردارند و این امر یکی از مواردی است که شبههٔ خلاف شرع بودن شطحیات را مطرح ساخته است.

۲. فنای فی‌الله

در بسیاری از مواقع وقتی سخن از شطح به‌میان می‌آید بلافاصله عبارات مشهوری چون «سبحان ما اعظم شأنی» بایزید و «انا الحق» حلّاج برای مثال مطرح می‌شود. چنان‌که گویی فنای فی‌الله و به‌تعبیر برخی ادّعای اتّحاد، تنها مفهوم رایج در شطح است، اما این درواقع یکی از درون‌مایه‌های پرکاربرد

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

شطح است که همواره در طول تاریخ بدان توجه شده و در معرض داوری قرار گرفته و به سبب ناسازگاری و مغایرت ظاهری با شریعت، با آن مخالفت کرده‌اند. ابونصر سراج در *اللمع* آورده که ابن‌سالم بصری مدعی بود آنچه بایزید گفته از دعوی فرعون هم که براساس آیهٔ قرآن ادّعای «انا ربّکم الاعلی» داشت بدتر بود، پس سزاوار تکفیر است (بدوی، ۱۹۷۸م: ۲۱).

این مضمون مهم در کلام برخی عرفا و عرفان‌پژوهان «ادعای اتحاد» نامیده شده است اما ازآنجاکه با توجّه به اعتقاد گوینده و به قرینهٔ سایر سخنان ایشان، می‌توان نتیجه گرفت که در چنین شطحیاتی اتّحاد به‌معنای عام و معنای رایج آن در ادیان غیر اسلام مدّ نظر نیست، در این پژوهش به عمد از اصطلاح دقیق‌تر خاصّ عرفان، فنای فی‌الله، استفاده کرده‌ایم تا شبهه‌ای ایجاد نگردد. همچنین برخی از این شطحیات از دعوی مبرّاست و بدون ادعای فانی شدن در ذات الهی و اتحاد با آن ازسوی گویندهٔ شطح، تنها دیدگاه عارف شطاح را دربارهٔ فنای فی‌الله مطرح می‌کند. ازاین‌رو لفظ ادّعا را نیز حذف کرده‌ایم. مثلا آنجاکه حسین حلّاج می‌گوید «و البقاء هو الفناء» (ابوطالب مکی، ۱۴۲۴ق: ۱۳۶) کلام وی شطح‌آمیز است اما با ادعای فنا همراه نیست.

این مفهوم که در بیشتر تعاریف شطح مورد توجّه قرار گرفته، از قرن سوم به بعد شاید تحت تأثیر آرا و اقوال عرفایی چون بایزید و حلاج نقش پررنگی در شطحیات می‌یابد. حسین حلّاج، قائل قول «انا الحق» مشهور که به تصور ادعای اتحاد دامن زده، خود در شطحی دیگر به‌روشنی به فنا اشاره کرده است؛ آنجاکه می‌گوید: «عجب دارم از تو و از من. فنا کردی مرا از خویشتن به تو. نزدیک کردی مرا به خود تا ظنّ بردم که من توام و تو من» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸۷).

۳. تفاخر عارف

سومین مفهوم پرتکرار در شطحیات است که گاه به صورت ادّعای عظمت خود و گاه به شکل عام در منقبت و تعظیم عرفا مطرح می‌شود. این مفهوم نیز چون دیگر مفاهیم پرتکرار در شطحیات ادوار مختلف رواج دارد اما بسیار مورد توجّه خرقانی و هم‌عصرانش قرار می‌گیرد و در قرن هفتم نیز از مهم‌ترین مفاهیم است. نمونه‌هایی از این دست:

بایزید: «نور صمدیت در بشرهٔ عارف پیداست. حدیث [آیه] «مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاةٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ» یاد دارد» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). خرّاز: «عارفان را هست خزاینی چند که علوم‌های غریب و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

انبارهای عجیب در آن به‌ودیعت نهاده‌اند. آن کلمات را به لسان ابدی و عبارات ازلی باز می‌گویند» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۳). ابوعبدالله صبیحی: «عارف را آیینه‌ای است که چون در آن نگاه کند، حقّ را ببیند» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۵).

۴. تعریف شطح‌آمیز عبارات و اصطلاحات

مضمون قابل توجه دیگری است که در تعاریف عرفا از شطح لحاظ نشده است. شاید یکی از دلایل این امر همخوانی نداشتن این دسته از مصادیق شطح با غلبهٔ سکر باشد اما بسامد بالای آن به‌ویژه در قرن سوم، هم‌زمان با تعریف اصطلاحات عرفانی، چشم‌پوشی از این مضمون را ناممکن می‌سازد. نکتهٔ دیگر آنکه این مضمون بسیار مورد توجّه جنید بغدادی است؛ تاجایی‌که می‌توان گفت بیش از نیمی از شطحیات جنید اینچنین است. ذوالنون و رویم نیز بدین مضمون توجه دارند. یکی از ویژگی‌های اصلی چنین تعاریفی تناقض ظاهری آن‌هاست. برای مثال ابوعبدالله صبیحی در تعریف اصطلاح «قریب» می‌گوید: «القریب هو البعید عن وطنه و هو مقیم فیه» (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۶۲: ۸۲). یا جنید در تعریف حیله می‌آورد: «الحیلة ترک الحیلة» (سمعانی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). و یا شبلی که تصوف را شرک می‌نامد: «التصوّف شرک لانّه صیانة القلب عن روية الغير و لا غير» (هجویری، ۱۳۷۵: ۴۳).

۵. نفی ما سوا الله

نفی وجود غیر خدا و یا اهمیت نداشتن ما سوی الله که از همان قرن دوم در شطحیات رابعه نمود پررنگی داشته و از قرن هفتم به بعد بیش از پیش رواج یافته و تقریباً در همهٔ دوره‌ها کمابیش مورد توجه شطح‌پردازان بوده است.

آنچنان که معروف کرخی به وضوح می‌گوید: «لیس فی الوجود احد الا الله»؛ هیچ چیزی موجود نیست مگر الله (داراشکوه، ۱۳۵۲: ۸). و از شبلی روایت می‌کنند که می‌گفت: «دنیا و آخرت یک لقمه کردمی و آن را فرو بردمی و این خلق را باز رهانیدمی تا بی‌واسطه بمانندی» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۹ و۲۵۸) از [رابعه عدویه]. نیز نقل است که وقتی دیگر به مکّه می‌رفت. در میان بادیه کعبه را دید که به استقبال او آمده بود. رابعه گفت:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

مرا ربّ البیت می‌باید. کعبه را چه کنم؟ مرا استطاعت کعبه نیست. به جمال کعبه چه شادی؟ مرا استقبال من تقرّب الیّ شبرا تقرّبت الیه ذراعا می‌باید. کعبه را چه بینم؟ (عطّار نیشابوری، ۱۳۵۵: ۷۵).

۶. ارتباط با عالم غیب

دیگر مضمون پرتکرار شطحیات، ارتباط عارف با عالم غیب است. مقصود ما ادّعای عارف مبنی‌بر مراوده و گفت‌وگو با فرشتگان و شیطان و نیز مخاطب قرار گرفتن ازسوی هاتف غیبی است. برای مثال خرّاز می‌گوید: «قطعنی قرب اللّه عز و جل عن سؤال اللّه. ثم نازعتنی نفسی بأن أسأل اللّه تعالی، فسمعت هاتفا یقول: أبعد وجود اللّه تسأل اللّه غیر اللّه» (کلابادی، ۱۹۳۳م: ۱۱۵).

این ادعا در شطحیات خرقانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. او با بیان «درختی است غیب و من بر شاخ آن نشسته‌ام و همه خلق به زیر سایهٔ آن نشسته» (عطّار نیشابوری، ۱۳۵۵: ۶۷۷)، به‌وضوح به ارتباطش با عالم غیب می‌بالد.

۷. مفاهیم و مضامین دیگر

افزون‌بر شش مضمونی که بدان‌ها پرداختیم، مضامین پرشمار دیگری در شطحیات وجود دارد که بسامد بالایی دارند. برخی از آن‌ها چون «کم‌قدری عبادات و مناسک ظاهری»، «نگاه نامتعارف به احکام»، «ادعای رؤیت خداوند»، «خرق عادت»، « شفاعت خلق»، «تعظیم شیطان و دفاع از او» است و با توجه به تعاریف صورت گرفته از شطح، مضمون محتمل دیگر «مقایسهٔ خود با دیگران و با خداوند» است که به بیان شطح‌های قابل بحثی منجر گشته. یکی از این شطحیات حکایت آن است که بایزید از مؤذّن «الله اکبر» بشنید. گفت: من بزرگوارترم» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۱). ظاهراً این مضمون در شطحیات قرن دوم دیده نمی‌شود و در قرن سوم با رواج بیشتر ادعای فنای فی‌الله و جسارت شخص بایزید، کم‌وبیش رواج می‌یابد و در قرن هفتم نیز اذعان به آن دوچندان می‌گردد.

اما مضامینی در شطحیات وجود دارد که در کمتر پژوهشی بدان‌ها اشاره شده است. «بیان قدر برخی احوال، مقامات و رسوم عرفانی»، «ناتوانی از درک ذات و حقیقت الهی»، «بیان شرط رسیدن به حال، مقام یا جایگاهی»، «مقایسهٔ نامتعارف دو حالت، حال یا مقام» و حتی «مقایسه دو گروه با

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

هم» از این موارد است که به سبب همراه نبودن با ادعا و تفاخر از دید بسیاری از محققان مغفول مانده اما مصادیق آن در منتخبات شطح چون *شرح شطحیات* و *حسنات العارفین* وجود دارد.

دراین‌باره می‌توان به سخن یحیی‌بن معاذ رازی در قدر نهادن حیا اشاره کرد: «من استحیا من اللّه مطیعا، استحیا اللّه تعالی من عذابه مذنبا» (خرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۴۰۹). و یا این سخن عین‌القضات که می‌فرماید: «در این مقام تا غایب نشوی، حاضر نباشی و تا حاضر نباشی، غایب نشوی» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۸۹: ۳۲۷). که اولی به سبب ادعای نامتعارف به منظور اغراق و دومی به دلیل اشتمال بر تناقض در دایرهٔ شطح قرار می‌گیرد.

همچنین مضامینی هست که تنها در سخنان معدودی از عرفا برای بیان شطح بستری ایجاد کرده است. از این گروه می‌توان به مضمون‌هایی چون «مرگ پیش از مرگ» و «غیرت عارف نسبت به خدا» اشاره کرد که مضمون نخست در شطحیات خواجه عبدالله انصاری و مضمون دوم در شطحیات شبلی دیده می شود.

پراکندگی مضامین در ادوار تاریخی

افزون‌بر فراوانی مضامین مطرح شده در کل شطحیات، می‌توان به بررسی و تحلیل کاربرد هر یک از مضامین و مفاهیم یادشده در قرن‌های مختلف پرداخت. این کار با بررسی شطحیات گردآمده از نزدیک به سی عارف صورت گرفته است. عمدهٔ شطح پردازان هر عصر و درصد شطحیات جمع آمده از ایشان نسبت به کلّ شطحیات گردآمده از آن قرن بدین شرح است.[1]

- قرن اول و دوم: حسن بصری (۱۴/۲۸)، ابراهیم ادهم (۱۹/۶۴)، فضیل عیاض (۷/۱۴)، رابعه عدویه (۴۱/۰۷)
- قرن سوم: بایزید (۲۵/ ۲۹)، سری سقطی (۲/۹۲)، ذوالنون (۴/۲۵)، خرّاز (۷/۱۸)، سهل عبدا... تستری (۵/۰۵)، نوری (۶/۹۱)، جنید (۶/۳۸)، رویم (۴/۵۲)، حلّاج (۲۰/۲۱)
- قرن چهارم: کتانی (۳/۶۲)، واسطی (۱۴/۵۱)، شبلی (۴۱/۱۲)، قصّاب (۶/۰۴)، حصری (۷/۶۶)، ابوعلی دقّاق (۸/۷۲)
- قرن پنجم: خرقانی (۹۰/۳۹)، ابوسعید ابوالخیر (۵/۶۴)، شیخ عبدا... انصاری (۲/۲۵)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

- قرن ششم: احمد غزالی (۱۹/۲۲)، عین‌القضات (۶۴/۱۵)، عبدالقادر گیلانی (۱۵/۳۸)، روزبهان بقلی (۱۵/۳۸)
- قرن هفتم: ابن‌عربی (۴۷/۶۱)، عبدا... ملتانی (۱۴/۲۸)

براساس طبقه‌بندی صورت گرفته، سیر کمّی کاربرد کلیه مضامین و مفاهیم در پنج قرن نیز مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد که به‌طورکلی «نقد دیدگاه‌های رایج در عرف»، «فنای فی‌الله»، «تفاخر»، «نفی ماسوی‌الله» و «بی‌اهمیتی غیر خدا»، «مقایسهٔ خود با دیگران»، «مقایسهٔ نامتعارف دو یا چند گروه» و «نفی اختیار و خواست بنده» مضامینی است که در همهٔ ادوار تاریخی کم و بیش نمود داشته اما میزان توجه به هریک از این مضامین در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است؛ برای مثال رایج‌ترین مضمون در شطحیات که «نقد دیدگاه های رایج در عرف» است و در همهٔ قرن‌ها رواج داشته، در قرون دوم و چهارم بیشتر مورد توجه بوده و در نزدیک به بیست‌وپنج درصد از کل شطحیات آن عصر مطرح شده اما در قرن پنجم بسیار کم مورد توجه بوده است؛ زیرا عرفای آن عصر بیشتر به «فنای فی‌الله» و«تعظیم عرفا (خود)» توجه داشته‌اند. اما مضمون «فنای فی‌الله» که در قرن دوم تنها در نزدیک به دو درصد از شطحیات مطرح بوده در قرون بعد با اقبال بیشتری مواجه شده است. مضمون پرکاربرد دیگر، «تفاخر» است که در اغلب تعاریف با لفظ «ادعا» مطرح شده است. بررسی شطحیات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که نزدیک به هفتاد درصد از شطحیات قرن دوم با تفاخر و ادعا همراه است و این امر تناسب معناداری با مضامین رایج در آن دوره ندارد. در قرون سوم و چهارم متناسب با مضامین پرتکرار در شطح، ادّعا کاهش می‌یابد به طوری‌که در قرن چهارم تنها سی‌وسه درصد شطحیات با ادّعا و تفاخر همراه است. اما در قرن پنجم تحت تأثیر شطحیات خرقانی دوباره ادّعا رواج قابل توجّهی (۹۶/۷۷درصد) پیدا می‌کند. در قرن ششم با توجه به اینکه شطحیات بیشتر در حوزهٔ «نقد دیدگاه‌های رایج»، «بیان شرط رسیدن به مقام یا حال عرفانی»، «کم ارزش شمردن عبادات و مناسک ظاهری» و «نگاه نامتعارف به احکام» است، ادّعا بسیار کاهش می‌یابد؛ زیرا بیان این مضامین الزاماً با تفاخر همراه نیست. اما در قرن هفتم به سبب رواج مفاهیمی چون «فنای فی‌الله» و «تفاخر به عظمت عارف» نزدیک به چهل‌وهشت درصد شطحیات با ادّعا همراه است.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

بنابراین اگرچه در همهٔ قرون مذکور بخش قابل توجّهی از شطحیات با تفاخر و ادّعا همراه است، این امر در همهٔ ادوار تاریخی عمومیت ندارد. به تعبیری دیگر می‌توان گفت در بخش قابل توجّهی از شطحیات به تناسب مضمون رایج در شطحیات آن عهد، «أنا» محوریت ندارد. شطح‌های ذیل از این دست هستند:

حسن بصری: «مسکین فرزند آدم، راضی شده به سرایی که حلال آن را حساب است و حرام آن را عذاب» (عطّار نیشابوری، ۱۳۵۵: ۴۵).

شبلی: «حقیقةُ المعرفةُ العجز عن المعرفةُ؛ حقیقت معرفت عجزست از معرفت» (هجویری، ۱۳۷۵: ۳۵۴).

درعین‌حال مضامینی نیز تنها در یکی دو قرن نمود یافته و در شطحیات اغلب عرفا در دوره‌های مختلف تاریخی پررنگ نیست؛ «شفاعت و رحمت بر خلق» و «غیرت عارف نسبت به خدا» از این دست است.

مضامین رایج در شطحیات مشهورترین عرفا

مسئلهٔ مهمی که می‌توان آن را عامل تأثیرگذاری بر برداشت‌های کلّی از شطح و حتی تعریف‌های ارائه شده از آن دانست، پرکاربردترین مضامین رایج در شطحیات بزرگ‌ترین و مشهورترین شطح‌پردازان یعنی بایزید بسطامی، حلاج، شبلی و خرقانی است که چهرهٔ کلّی شطح را رقم زده است.

جدول ذیل نشان‌دهندهٔ درصد فراوانی پنج مضمون در کل شطحیات چهار عارف مذکور است که براساس آن، «فنای فی‌الله»، «تفاخر به عظمت خود» و «برتری بر دیگران» سه مضمون مشترکی است که حداقل در پرتکرارترین مضامین شطحیات سه نفر از ایشان آمده است. سه مضمونی که ذاتاً با ادعا همراه است و همان‌طور که گفته شد احتمالاً در تصور رایج از شطح و وجه ادّعایی آن مؤثر واقع شده است.

جدول: درصد فراوانی مضامین پرتکرار در شطحیات مشهورترین شطح پردازان

	بایزید	حلاج	شبلی	خرقانی
۱	فنای فی الله (۲۲/۴)	فنای فی الله (۳۲/۹)	نقد دیدگاه‌های رایج (۲۹/۴)	تفاخر به عظمت خود (۲۵)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

۲	تفاخر به عظمت خود (۱۶/۸)	نقد دیدگاه‌های رایج (۳۰/۳)	نفی ما سوی الله (۱۶/۷)	فنای فی‌الله (۲۱/۲)
۳	کم ارزش شمردن عبادات ظاهری (۱۲/۱)	تعریف اصطلاح (۱۹/۷)	تعریف اصطلاح (۱۴/۷)	مراوده با غیب (۱۹/۹)
۴	برتری بر دیگران (۱۱/۲)	ناتوانی از درک ذات و حقیقت الهی (۱۰/۵)	تفاخر به عظمت خود (۹/۸)	نفی ما سوی‌الله (۱۲/۲)
۵	بیان سیر تحول عارف (۱۰/۳)	برتری بر دیگران (۶/۶)	برتری بر دیگران (۸/۸)	تفاخر به عنایت خاص (۱۱/۵)

چنان که ملاحظه می‌شود پرتکرارترین مضامین شطحیات بایزید را می‌توان در یک محور کلی خلاصه کرد؛ نقطهٔ آغاز این محور، سیر تحول عرفانی‌ای است که وی را به فنای فی‌الله رسانده و موجب ایجاد حس برتری نسبت به دیگران و درنتیجه تفاخر به عظمت خود گشته و درنهایت این امر، مناسک و عبادات ظاهری را در چشم وی بی‌ارزش ساخته است.

اما مهم‌ترین مضامین رایج در شطحیات حلاج از چنین هماهنگی‌ای برخوردار نیست. وی با وجود ادعای فنای فی‌الله بارها از ناتوانی از درک ذات و حقیقت الهی می‌گوید؛ چنان‌که گویی می‌خواهد شطحیات بی‌پروای خود در فنا را که منجر به حمله به وی گشته با اشاره به این امر تلطیف سازد و خود را از ادعای اتحاد بری سازد که البته کارگر نیفتاد. او با بیانی شطح‌آمیز عرف زمانهٔ خود را در هم می‌شکند. حتی به اصطلاحات رایج نیز رحم نمی‌کند و به دنبال ارائهٔ تعریفی متفاوت و متناقض از آن‌هاست و در مقایسه با بایزید کمتر به برتری خود بر دیگران اذعان دارد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که شبلی در مقایسه با دو شطح‌پرداز مشهور قرن سوم توجه کمتری به فنای فی‌الله دارد . اما باید توجه داشت که وی اساساً معتقد به نفی ماسوی الله است و به تعبیری هرآنچه هست را در ذات الهی فانی می‌بیند و بنابراین دنباله‌رو بزرگان پیش از خود است. او نیز چون حلاج به تعریف شطح‌آمیز اصطلاحات علاقه‌مند است و با ادعای برتری بر دیگران به خود می‌بالد اگرچه در این امر به پای بایزید بسطامی نمی‌رسد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

خرقانی نیز به فنای فی‌الله و نفی غیر او توجه ویژه‌ای دارد. او در شطحیات خود بسیار از مراوده با غیب و عنایت خاص خداوند به خود می‌گوید و چون اسلاف خود به عظمت خود و دیگر عرفا افتخار می‌کند.

نتیجه:

شطح پدیدهٔ وسیعی است که در دو ساحت کلام و فعل قابل بررسی است. مراد از شطح فعل، اعمال خلاف عرف و به‌تعبیری خرق عادت ازسوی عرفاست، اما سخنان شطح‌آمیز ایشان حوزهٔ وسیع‌تری از مفاهیم و مضامین را دربر می‌گیرد که بخش عظیمی از آن در سایهٔ مضامین مشهوری چون فنای فی‌الله، تفاخر و ادعا مغفول مانده است. استخراج مفاهیم و مضامین شطح گردآمده از قرن دوم تا هفتم هجری نشان داد که بیش از سی مضمون در شطح وجود دارد که نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، فنای فی‌الله، بیان عظمت عارف و تعریف اصطلاحات عرفانی، به‌ترتیب پرتکرارترین و تعظیم شیطان و دفاع از او، بیان معراج عرفانی، مرگ پیش از مرگ و غیرت عارف نسبت به خدا کم‌کاربردترین آن‌هاست.

از دیگر نتایج این پژوهش تعیین مضامین پرتکرار در هر قرن به شرح ذیل است:

- قرن دوم: نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، نفی ماسوی‌الله، مراوده با غیب
- قرن سوم: تعریف نامتعارف اصطلاحات عرفانی، نقد دیدگاه‌های رایج در عرف و فنای فی‌الله
- قرن چهارم: نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، بیان اهمیت یا قباحت برخی احوال یا مقامات. همچنین فنای فی‌الله، نفی ماسوی الله و تفاخر به عظمت خود به یک میزان
- قرن پنجم: تفاخر به عظمت خود، فنای فی‌الله و مراوده با غیب
- قرن ششم: نقد دیدگاه‌های رایج در عرف، فنای فی‌الله، بیان شرط رسیدن به یکی از مقام‌های عرفانی
- قرن هفتم: فنای فی‌الله و تفاخر به عظمت خود

سیر اقبال به این مضامین در شطحیات هر دوره و نیز بسامد آن در شطحیات هر عارف و بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن ازجمله مکاتب عرفانی رایج در آن عصر یا رویکرد عرفانی عارف

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

شطح‌پرداز، خود مسئلهٔ قابل تأملی است که می‌تواند موضوع پژوهشی گسترده‌تر در این حوزه باشد.

دیگر آنکه برخلاف تصور رایج که حتی در بسیاری از تعاریف شطح نیز مطرح شده، شطح الزاماً با ادّعا همراه نیست اگرچه در سیر شطح در طی قرون مذکور همواره شطح‌هایی همراه با ادّعا بیان شده است. بررسی شطحیات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در قرن دوم یعنی در آغاز رواج شطح در نزد عرفا بسیاری از شطحیات با ادعا همراه است و در ادامهٔ راه شاید تحت تأثیر مخالفت‌های صورت گرفته و برخوردهای قاطع با عرفایی چون حلّاج و شاید به تناسب مضامین مطرح شده در شطح این امر کم‌رنگ گشته است. اگرچه در دوره‌های بعد نیز شطحیات عرفایی چون بایزید بسطامی، شبلی و خرقانی مملو از ادّعا و تفاخر است و احتمالاً شهرت ایشان و کثرت شطحیاتشان در عمومیت بخشیدن این تصوّر مؤثّر بوده است.

پی‌نوشت:

۱. از آنجا که برخی شطح پردازان در دو قرن می‌زیسته‌اند برای این طبقه‌بندی تاریخ وفات ایشان را معیار قرار دادیم و اگر قریب به بیست سال از زندگی آن شطح‌پرداز در قرن دوم بوده، او را از شطح‌پردازان آن قرن دانسته‌ایم.

کتاب‌نامه:

- ابوطالب مکّی. (۱۴۲۴ق)، *علم القلوب*، به‌کوشش عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اسدی، علی‌رضا. (۱۳۹۰)، «تأمّلی در موضوعات، صورت، ساخت و سبک شطحیات صوفیه»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، س۴، ش۴، شمارهٔ پیاپی ۱۴.
- بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۸م)، *شطحات الصوفیه*، چاپ سوم، کویت: وکاله المطبوعات.
- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۷۴)، *شرح شطحیات*، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- ـــــــــــــ . (۱۳۹۳)، *منطق الاسرار ببیان الانوار*، تصحیح سیدعلی‌اصغر میرباقری‌فرد و زهره نجفی، تهران: سخن.
- جامی، عبد الرّحمن. (۱۸۵۸م)، *نفحات الأنس*، کلکته: مطبعه لیسی.
- جعفری، سمانه، سید علی‌اصغر میرباقری فرد. (۱۳۹۵)، «تحلیل انتقادی تعاریف شطح»، *ادبیات عرفانی*، ش۱۴، ۱۷۴-۱۴۹.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]

- جنید بغدادی، ابو القاسم جنیدبن محمّد. (۱۴۲۵ق)، *رسائل الجنید*، به کوشش جمال رجب سیدبی، دمشق: دار اقرأ للطباعه و النشر و التوزیع.
- خرگوشی، ابوسعد عبدالملك. (۱۴۲۷ق)، *تهذیب الاسرار فی أصول التصوف*، به کوشش امام سید محمدعلی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خواجه عبدالله انصاری. (۱۳۶۲)، *طبقات الصوفیه*، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس.
- داراشکوه، محمّد. (۱۳۵۲)، *حسنات العارفین*، تصحیح و مقدمه سیّد مخدوم رهین، تهران: مؤسّسه تحقیقات و انتشارات ویسمن.
- سمعانی، احمد. (۱۳۸۴)، *روح الأرواح فی شرح أسماء الملك الفتاح*، چاپ دوم ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عطّار نیشابوری، فریدالدّین. (۱۳۵۵)، *تذکره الاولیا*، تصحیح محمّد استعلامی، چاپ دوم، تهران: زوّار.
- عین‌القضات همدانی. (۱۳۸۹)، *تمهیدات*، تصحیح عفیف عسیران، چاپ هشتم، تهران: منوچهری.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم. (۱۴۲۲ق)، *رساله قشیریه* ترجمه ابوعلی عثمانی، به‌کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- کلابادی، ابوبکر محمّدبن ابراهیم. (۱۹۳۳م)، *التعرف لمذهب التصوف*، مصر: مطبعة السعادة.
- هجویری، ابوالحسن علی. (۱۳۷۵)، *کشف المحجوب*، تصحیح ژوکوفسکی، والنتین آلکسی یریچ، تهران: طهوری.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-18]